

بررسی نقش سبک زندگی مادران فعال اجتماعی در شکل‌گیری هویت نوجوانان

مونا موحدی شکیب^۱

آسیه شریعتمدار^۲

آتوسا کلانتر هرمزی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک زندگی مادران فعال اجتماعی در شکل‌گیری هویت نوجوانان انجام شده است. پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی و نوع پدیدار شناسی انجام گرفته است. جامعه مورد پژوهش مادرانی که دست کم یک فعالیت اجتماعی دارند و مادر نوجوانی بین ۱۲ تا ۱۸ سال هستند، است. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شده است. مشارکت کنندگان در تحقیق شامل ۱۰ مادر فعال اجتماعی و ۱۰ نوجوان دختر این مادران است. برای پاسخ به سؤالات شکل‌گیری هویت با فرزند نوجوان این مادران که بین ۱۲ تا ۱۸ سال داشتند نیز مصاحبه شد. اطلاعات از بستر مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته به دست آمده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری کیفی استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در زمینه نقش سبک زندگی مادران فعال اجتماعی در شکل‌گیری هویت نوجوانان منجر به شناسایی ۳۳ مضمون شد که در شش مضمون اصلی دسته‌بندی شدند. شش مضمون اصلی عبارتند از (۱) ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با خود (۲) ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با خانواده (۳) ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با هستی (۴) هویت تحصیلی (۵) هویت مذهبی و (۶) هویت اجتماعی. یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌تواند در شکل‌گیری هویت نوجوانان دختری که مادران اجتماعی فعال دارند، مفید و کاربردی باشد.

واژه‌گان کلیدی: سبک زندگی، هویت نوجوانان، مادران فعال اجتماعی.

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

mn.movahedishakib@gmail.com

۲- استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) S_shariatmadar@yahoo.com

at.kalantar@yahoo.com

۳- دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

وقتی به چرخه زندگی^۱ خانواده می‌اندیشیم، به کسانی فکر می‌کنیم که در سیر زمان حرکت می‌کنند، بر چالش‌های هر دوره چیره می‌شوند و دوره دیگری را آغاز می‌کنند (نیکولز^۲، ترجمه دهقانی، ۱۳۸۹). رفتارهای نوجوانی بین افراد گوناگون مشترک است برای مثال در نوجوانان، تعاملات اجتماعی بالا در تحقیقات نشان داده شده است (افزایش ارتباطات بالا با همسالان و افزایش تعدادی از تعارضات با والدین). همچنین در دوره در نوجوانی با افزایش سطح رفتار بازی و رفتارهای تقلیدی مثل در آغوش کشیدن و سرپرستی رو به رو هستیم. این رفتارها می‌توانند به نوجوانان کمک کنند تا بتوانند مهارت‌های لازم را برای آن‌که در زمینه‌های مختلف بتوانند از خانواده‌های خود در آینده مستقل شده و به عنوان رهبر دربیایند را رشد دهند (کریوس، کورتنی، ورسکی^۳، ۲۰۰۶). از آنجایی که نوجوانی سرشار از فراز و نشیب‌های متعددی است که در خانواده‌های مختلف به صورت گوناگون بروز می‌کند از این دوره به عنوان فعال‌ترین و هیجان‌آورترین اوقات در چرخه زندگی خانوادگی یاد می‌کنند. نوجوانی که یکی از پرهیاهوترین دوره‌ها در نظر گرفته می‌شود، با تغییرات عمده جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی همراه است که غالباً از حدود ۱۱-۱۲ سالگی شروع می‌شود و در بسیاری از کشورهای صنعتی جهان، در سن ۲۰ سالگی خاتمه می‌یابد (جمهری و احدی، ۱۳۸۰). «شکل‌گیری هویت»^۴ یکی از موضوعات کلیدی در دوره نوجوانی است که امروزه به گستردگی مورد تحقیق قرار گرفته و اهمیت آن تأیید شده است. هویت به عنوان عنصر اساسی شخصیت افراد، خود پنداره درونی و ذهنی که شخص از خودش به عنوان یک فرد دارد، تعریف شده است. (ربر^۵، ۱۳۸۸). در زمینه شکل‌گیری هویت فرد، تحقیقات و نظریه‌هایی موجود است که مشهورترین آن‌ها

1. Life circle

2. Nicoles

3. Crews, Courtney, & Dworsky

4. Identity formation

5. Reber

نظریه اریک اریکسون و جیمز مارسیا^۱ است. به اعتقاد اریکسون (۱۹۶۸) مهم ترین هدف دوران نوجوانی رشد یک هویت شخصی و متمایز از دیگران است. فرایند رشد هویت یک فرآیند پیش رونده و رو به جلو است که شامل یکپارچه سازی آگاهانه اعتقادات فرد راجع به خودش، اعتقاد فرد راجع به اینکه دیدگاه دیگران راجع به او چگونه است و تعهد^۲ نسبت به ارزش های شخصی و هدف های زندگی است. در نظریه هویت اریکسون، انسجام هویت^۳ و سردرگمی هویت^۴، به منزله دو پیامد بالقوه فرآیند تحول هویت در نظر گرفته شده است (شوارتز، میسن، پانتون، شاپوچینگ^۵، ۲۰۰۹).

نوجوان و هویتش علاوه بر جنبه های فردی از زمینه اجتماعی (مثل تعاملات بین اعضای خانواده و همسالان) نیز تأثیر می پذیرد. این تأثیر برای سال ها ادامه یافته و حتی در ایجاد تغییرات تازه در هویت فرد تأثیر گذار است. روش های فرزند پروری والدین بخش مهمی ای از زمینه اجتماعی هستند که نوجوان، رشد فردی و انتقال های زندگی خود را در آن تجربه می کند (برونفن برنر^۶، ۱۹۸۶). با تغییرات اجتماعی و شکاف نسلی پیش آمده، مادر سنتی که هویتش در چارچوب وظایف خانه تعریف می شود، در پرورش فرزندان خود با چالش هایی رو به رو می شود. به نظرمی رسد که تفاوت های ارزشی و ایدئولوژیکی میان مادران با دغدغه اجتماعی و مادران خانه دار تمایزاتی را ایجاد می کند. مادر فعال اجتماعی یا به تعبیر پروین اعتصامی، زن مدرن صاحب ویژگی هایی از قبیل استقلال، خوداتکایی و همچنین تحصیلات است و نگاه غیر جنسیتی به خود دارد، در نتیجه رابطه او با همسرش به جای اطاعت، رابطه همکاری و تعامل است (علی نیا، صادقی گیوی، پرهیزگاری، ۱۳۹۰). با توجه به چالش هایی که سبک زندگی مادران می تواند در شکل گیری هویت فرزند خانواده داشته باشد و با توجه به اینکه فعالیت اجتماعی زنان یکی از

1. Eric Erickson & James E. Marcia

2. commitment

3. Identity coherence

4. Identity confusion

5. Schwartz & Mason & Pantheon & Shopoching

6. Bronfenbrenner

ویژگی‌های اصلی زنان مدرن عصر حاضر تلقی می‌شود، در این پژوهش محقق بر آن شده است تا به بررسی بررسی نقش سبک زندگی مادران فعال اجتماعی در شکل‌گیری هویت نوجوانان بپردازد. در این پژوهش محقق به دنبال پاسخگویی به این سؤال پژوهش می‌باشد که نقش سبک زندگی مادران فعال اجتماعی در شکل‌گیری هویت نوجوانان چگونه می‌باشد؟

روش

پژوهش حاضر، یک مطالعه کیفی از نوع پدیدارشناسی است. جامعه این پژوهش شامل مادران فعال اجتماعی است که از این جامعه به صورت هدفمند مادرانی که دست کم یک فعالیت اجتماعی در حال انجام (اعم از عضو گروه، نهاد، احزاب، مساجد، موسسات خیریه، انجمن‌های فعالیت‌های اجتماعی و بنیادهای فرهنگی) و یک دختر نوجوان دارند و مایل به شرکت در تحقیق باشند به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شد. برای پاسخ به سؤالات شکل‌گیری هویت با فرزند نوجوان این مادران که بین ۱۲ تا ۱۸ سال داشتند نیز مصاحبه شد. نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها یعنی زمانی که داده جدیدی از سخنان مشارکت‌کنندگان استخراج نگردید، ادامه پیدا کرد. تعداد مشارکت‌کنندگان در تحقیق ۱۰ مادر فعال اجتماعی و ۱۰ دختر نوجوان این مادران بود. روش جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته است. روش کار به این صورت بود که مادرانی که فعال اجتماعی بودند و دارای دختر نوجوان بودند شناسایی شدند و زمانی برای مصاحبه با مادر و نوجوان به صورت جداگانه تنظیم شد. پیش از آغاز هر مصاحبه تلاش شد رضایت مصاحبه‌شوندگان جهت مصاحبه جلب شود، ابتدا اطلاعات لازم در مورد پژوهش، محرمانه ماندن مباحث مطرح‌شده، اهداف مصاحبه و نیز حفاظت از فایل‌های صوتی، توضیحاتی به افراد داده شد و بیان گردید که اطلاعات فقط در راستای اهداف مطالعه است و بدون ذکر مشخصات هویتی استفاده خواهد شد. مصاحبه‌ها با اجازه مصاحبه‌شوندگان به صورت

الکترونیکی ضبط شد، برخی از مادران نمی توانستند برای مصاحبه حضوری زمانی را هماهنگ کنند در نتیجه مصاحبه به صورت مجازی انجام شد و یادداشت برداری صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده ها، در مرحله ی اول پژوهشگر پس از مصاحبه با مشارکت کنندگان تحقیق، ابتدا به بیانات ضبط شده ی مصاحبه شوندگان گوش داد، اظهاراتشان را کلمه به کلمه روی کاغذ نوشت و مطالب از روی فایل های صوتی پیاده شد. در مرحله ی دوم، پژوهشگر چندین بار به بازخوانی مجدد متون پرداخت و بر عبارات و جملاتی که مستقیم با پدیده ی مورد بررسی در ارتباط بودند، تمرکز کرد. پس از مطالعه ی همه ی توصیف های مصاحبه شوندگان، زیر اطلاعات بامعنی و بیانات مرتبط با پدیده ی مورد بحث خط کشید و به این طریق، جملات مهم را مشخص کرد. در مرحله ی بعد که مرحله ی تدوین معانی و استخراج مفاهیم فرموله بود، پس از بررسی دست نوشته ها برای یافتن موضوعات و معانی واحدها، درک ماهیت تجارب مشارکت کنندگان، جستجوی تجارب اساسی، جستجو برای تعیین اظهارات مهم و معنی دار یا پیشنهاد برای شرح این موضوعات و رابطه بین موضوعات و پیشنهادها با مفاهیم، سعی شد از هر عبارت، یک مفهوم استخراج شود که بیانگر معنی و قسمت اساسی تفکر فرد باشد. پس از کسب این مفاهیم تدوین شده، سعی شد مرتبط بودن معنی تدوین شده با جملات اصلی و اولیه مورد بررسی قرار گیرد و از صحت ارتباط بین آنها اطمینان حاصل شود. پس از استخراج کدها، پژوهشگر، مفاهیم تدوین شده را به دقت مطالعه کرد و بر اساس تشابه مفاهیم، آنها را دسته بندی نمود. بدین روش، دسته های موضوعی از مفاهیم تدوین شده تشکیل شد. در مرحله ی بعد که مرحله ی تدوین توصیف تحلیلی احساسات مشارکت کنندگان و دیدگاه های مربوط به موضوعات بود، نتایج برای توصیف جامع از پدیده ی تحت مطالعه به هم پیوند داده شد و دسته های کلی تری را به وجود آورد. سپس به ارائه ی توصیف جامعی از پدیده ی مورد مطالعه بایبانی واضح و بدون ابهام یعنی تغییر زبان واقعی به مفاهیم علمی پرداخته شد و در مرحله ی پایانی، اعتبار بخشی با ارجاع به هر نمونه صورت گرفت یعنی

ارائه یک ساختار توصیفی از معانی تجارب؛ بنابراین پژوهشگر آنچه را ثبت نمود، به‌دقت مورد تجزیه و تحلیل قرارداد، با این هدف که تجارب آزمودنی‌ها را از دیدگاه آنان توصیف نماید و نشان دهد که این تجارب برای آنان چه معنا و مفهومی داشته‌اند. به این ترتیب، پژوهشگر به یک توصیف کلی از پدیده مورد تحقیق و تفسیر آن از دیدگاه اشخاص متفاوت، پرداخت.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو بخش یافته‌های جمعیت شناختی و همچنین یافته‌های سؤال تحقیق ارائه شده است. در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت شناختی مادران فعال اجتماعی شرکت کننده در این پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مادران فعال اجتماعی شرکت کننده در پژوهش

نام	مدرک تحصیلی	فعالیت اجتماعی	سن	وضعیت تاهل	تعداد فرزندان دختر/پسر	میزان حقوق	ترتیب تولد فرزند
کد ۱	کارشناسی ارشد	دانشجو و پژوهشگر	۴۱	متاهل	۰/۲	افتخاری	اول
کد ۲	کارشناسی	فعال جمعیت خیریه	۳۶	متاهل	۰/۲	افتخاری	اول
کد ۳	کارشناسی	بهار افتخاری موسسه محک	۴۸	متاهل	۲/۱	افتخاری	آخر
کد ۴	دیپلم	مسئول پیگیری در بنیاد شهدا	۳۸	متاهل	۱/۱	با حقوق اندک	دوم
کد ۵	کارشناسی ارشد	فعال محیط زیست	۳۷	مطلقه	۰/۱	افتخاری	اول
کد ۶	سیکل	سرپرست گروه	۵۰	متاهل	۲/۲	افتخاری	آخر

نیکوکاری کهریزک						
کد ۷	کارشناسی	مربی	پاره ۳۶	متأهل	۱/۱	حقوق اول پاره وقت
مهد کودک						
کد ۸	دانشجوی کارشناسی	کتابفروش در مترو	۳۶	بیوه	۱/۱	از فروش اول کتاب
کد ۹	دیپلم	حافظ و مدرس قرآن در مسجد	۴۰	متأهل	۲/۱	افتخاری دوم
کد ۱۰	کارشناسی	فعال حوزه بیماری های خاص	۴۱	بیوه	۰/۱	تک افتخاری فرزند

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود، بازه سنی مشارکت کنندگان بین ۳۶ تا ۵۰ سال بود. ۵۰ درصد از مادران در مقطع تحصیلی کارشناسی، ۲۰ درصد دیگر در مقطع ارشد و ۲۰ درصد در مقطع دیپلم و ۱۰ درصد زیر دیپلم بودند. از لحاظ نوع فعالیت تمام تلاش مبنی بر این اصل بود که هدف از این فعالیت هدفی فراتر از کسب درآمد و مربوط به رساندن خدماتی به اجتماع باشد. به وضعیت تاهل به این جهت اشاره شده است که در بطن مصاحبه ها نشانه های بهره مندی و محرومیت از نعمت پدر وجود داشت. نوع فعالیت ها اعم از افتخاری/حقوق ناچیز و هر دو حالت در نمونه ها یافت می شود. ترتیب تولد فرزندان به این جهت که در مصاحبه با برخی از نمونه ها تاثیر زیادی در میزان مسئولیت پذیری داشته است، مورد توجه پژوهشگر واقع شده است.

سوال پژوهش: نقش سبک زندگی مادران فعال اجتماعی در شکل‌گیری هویت نوجوانان چگونه است؟

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در زمینه نقش سبک زندگی مادران فعال اجتماعی در شکل‌گیری هویت نوجوانان منجر به شناسایی ۳۳ مضمون فرعی شد که در طبقه‌بندی به شش مضمون اصلی تقلیل یافت. مضامین کدگذاری شده در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. مضامین احصاء شده برای نقش سبک زندگی مادران فعال اجتماعی در شکل‌گیری هویت نوجوانان

مضمون اصلی	مضمون فرعی
ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با خود	شناخت ویژگی های فردی، هیجانات و روحیات خود
	آگاهی از محدودیت ها و نقاط ضعف خود و پذیرش آن
	خودپنداره مثبت
	احساس مهم بودن
	استقلال طلبی
	خود آگاهی و دوره نگری
	آگاهی از شرایط دوره رشدی
	مدیریت هیجانات
	پرورش آرامش بدنی
	جستجوی علایق
تلاش در پرورش ویژگی های مثبت	
ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با خانواده	شناخت روحیات و ویژگی های مادر و تحسین وی
	احساس دل‌بستگی به مادر و همانندسازی با وی
	احترام به خانواده و همشیران
	پایبندی به ارزش های خانوادگی
	حس انسجام خانوادگی

		اولویت دادن به خانواده
		نگرش مثبت به ازدواج
		حضور فعال در خانواده
		صمیمیت در چارچوب حریم‌ها
	ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با هستی	پذیرش تغییرات
		آزادی فرد مقید به چارچوب‌ها
		پذیرش واقعیت‌ها
		داشتن هدف، معنا و مسیر روشن
		زندگی چندبعدی
		پذیرش و مدیریت بحران به عنوان بخشی از زندگی و مدیریت آن
	هویت تحصیلی	هویت تحصیلی مثبت
		درس وسیله آرامش
		برخورداری از هویت روشن تحصیلی
		الگوبرداری از معلمان
	هویت مذهبی	پایبندی به اعتقادات
		اهمیت به انجام فرائض دینی
		پرورش حس توکل و ایمان به خدا
	هویت اجتماعی	علاقه‌مندی به ارتباط اجتماعی
		یادگیری از بستر تجربه زیسته دیگران
		دغدغه‌مندی اجتماعی
		پذیرش تفاوت با دیگران
		گرایش به جمع همسالان
		پرورش روحیه انتقادپذیری
		احساس پذیرش از سمت دیگران

		صمیمیت در روابط اجتماعی
		باور به فرهنگ گفتگو
		قدر شناسی
		برخورداری از شهامت ارتباط با بزرگسالان
		پرورش روحیه گروهی
		تاب آوری در برابر نظرات متناقض

با توجه به جدول فوق تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در شکل‌گیری هویت نوجوانان منجر به شناسایی تعداد ۳۳ مضمون فرعی شد که در طبقه‌بندی به شش مضمون اصلی (ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با خود، ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با خانواده، ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با هستی، هویت تحصیلی، هویت مذهبی و هویت اجتماعی) دسته‌بندی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد سبک زندگی مادران فعال اجتماعی اکتشاف را در نوجوان تقویت می‌کند به نحوی که با پرورش خودشناسی و دغدغه‌مندی اجتماعی، بستر خودشکوفایی وی را فراهم می‌کند. در ادامه مضامین اصلی و فرعی به تفکیک گزارش شده‌اند.

الف) ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با خود

الف-۱) شناخت ویژگی‌های فردی، هیجانات و روحیات خود

کد ۸: «من با وجود اینکه تو خانواده خیلی سنتی و بومی ای بزرگ شدم همیشه سعی کردم خودمو بشناسم و دوست داشتم همین حس رو به فرزندم هم منتقل کنم که خودش رو دوست داشته باشه تا بتونه هیجاناتش رو کنترل کنه (سبک زندگی مادر)».

کد ۱: «من دختر ساکتی نیستم معمولا دلم میخواد با بقیه حرف بزنم و معلم‌ها هم ناراحت میشن. مدت زمان کلاسها برام دیر میگذره و معمولا سعی می‌کنم که اجازه بگیرم و پیام بیرون و هوا بخورم.» «من دختر شیطونی هستم و مامانم اینا بهم میان که سرزنده‌ای. در مقایسه با خواهر بزرگم خیلی بیشتر حرف می‌زنم و با آدم‌های دیگه زود دوست میشم

دلم می‌خواود که دوستای زیادی داشته باشم و اگه روزی به مشکلی برخوردم بتونم ازشون کمک بگیرم»

کد ۱: «در مقایسه با خواهر بزرگم خیلی بیشتر حرف می‌زنم و با آدم‌های دیگه زود دوست میشم»

کد ۲: «من معمولاً شنونده هستم و کم پیش میاد که مثل خواهرم نارین سر صحبت رو باز کنم. بعد به مدرسه می‌روم و البته در مدرسه هم جزء دانش‌آموزای کم سروصدا هستم و در کل همه‌مونو اذیت می‌کنه. البته الان در مقایسه با کلاس هشتم و نهم خیلی بهتر شدم. در اون سالها اصلاً دلم نمی‌خواست با کسی حرف بزنم و به حرفهای کسی گوش بدم. معلمام می‌گفتن به دلیل سنی ایه که دارم و دوران نوجوانی».

کد ۵: «من دختری آرام هستم و اکثر اطرافیانم میان که من دختری آرام و حواس جمع هستم نمیدونم شاید دارم مامانم میشم وقتی کوچکتر هم بودم آرام بودم و تنها تفاوتی که بود این بود که پدرم کنارمون بود و وقتی ناراحتی اونارو باهم میدیدم ناراحت میشدم و شب‌ها گریه می‌کردم و البته راجع بهش حرف نمیزدم، الان که بزرگتر شدم و پا به نوجوانی گذاشتم تفاوت عمده‌ای که توام ایجاد شده که احساس می‌کنم تا الان مامانم مسئول همه‌چیز زندگی بوده و الان نوبت منه که کنارش بایستم. چیز دیگه‌ای که نوجوانی بهم اضافه کرده که باید عشق آتشی‌نی پیدا کنه تا شغل مورد علاقه‌ام رو پیدا کنم و با تمام قدرت به سمت اش یورش ببرم».

کد ۸: «من خودمو دختری محکم تعریف می‌کنم. اینکه درسته مهربونم و دلم واسه بقیه می‌سوزه ولی اصلاً اینطور نیستم که غر بزنم. دلم واسه بابام تنگ میشه ولی یاد حرف مامان می‌فتم که اون حضور داره و از من می‌خواود بهترین خودم باشم».

الف-۲) آگاهی از محدودیت‌ها و نقاط ضعف خود و پذیرش آن

کد ۵: «من خودم قبلاً مخصوصاً وقتی در ازدواج با همسرم بودم طاقت شنیدن انتقادها رو نداشتم و خیلی ناراحت می‌شدم اما رفته رفته یاد گرفتم وقتی آدم خودش از ضعف

هاش آگاه باشه میزان ناراحتیش از حرفای دیگران کم میشه، محدثه هم که این رفتارو تو من میبینه بعضی موقع ها سوال میکنه مامان، چطوره که تو از حرف فلانی ناراحت نشدی (سبک زندگی مادر)».

کد ۱: «بیدار میشم و با مامانم اینا صبحانه میخوریم. من معمولاً وقتی از خواب بیدار میشم بد اخلاقم و حوصله صحبت کردن با کسی رو ندارم. مامانم اینا معمولاً ازم سوالایی میپرسن راجع به اینکه اون روز قراره چیکار کنم. دهانم رو نمیتونم باز کنم و جواب بدم. کلاً من آدم تنبلی هستم کارهامو معمولاً به سختی انجام میدم»

کد ۴: «خیلی دختر متمرکزی نیستم مثلاً یه همکلاسی دارم که وقتی خودمو باهاش مقایسه می‌کنم حس می‌کنم خیلی آدم ضعیفی هستم. اون وقتی مثلاً کتاب زیست جلوشه فقط زیست میبینه و هیچی دیگه نمیبینه ولی من وقتی کتاب رو میدارم جلوم همه چیز میتونه حواسمو پرت کنه».

کد ۲: «می‌بینم که بعضی همکلاسی هام چقدر راحت با بقیه دوست میشن و وقت میگذرونن و منم این روزها بیشتر نیاز به ارتباط رو باهاشون حس می‌کنم، میخوام در این روزها و آینده تلاش کنم راحتتر باشم و بتونم ارتباط های بیشتری انتخاب کنم».

کد ۲: «حقیقتش من با خودم فکر می‌کنم من شاید حضوری خیلی نمیتونم ارتباط برقرار کنم از پشت گوشی و این فضاها مجازی میتونم دوستی ای رو آغاز کنم و اگه با شخص مقابل سازگار بودم ارتباط رو ادامه بدم»

کد ۶: «یکی از نقطه ضعف های من اینه که خیلی حساسم و معمولاً خیلی زود می‌فهمم که کسی چه قصدی داره و این بیشتر اوقات اذیتم میکنه. کوچیکتر که بودم این اخلاقم خیلی شدیدتر بود. همیشه وقتی مامانم نبود و بیرون بود و مثلاً یه چیزی درباره من رو فراموش می‌کرد امکان نداشت که فراموش کنم و بگذرم»

کد ۷: «وقتی کوچیک تر بودم اصلاً دوست نداشتم با دیگران هم صحبت شم یادمه وقتی کسی بوسم می‌کرد سریع جایی که بوس کرده رو با دستم پاک می‌کردم و از حرکتش بدم می‌ومد اهل دوست بازی هم نبودم».

الف-۳) خودپنداره مثبت

کد ۶: «من خودم به شخصه خیلی آدم دلسوزی هستم و همیشه دلم خواسته کمک رسان باشم و وقتی کسی به کمکی نیاز پیدا میکنه اولین نفرم که دست به کار میشم و همیشه هم دنیا نتیجه این کار رو بهم برگردونده (سبک زندگی مادر)».

کد ۱: «من دختری مهربونم».

کد ۲: «گاهی اوقات سر راه با پول تو جیبی ام برای خونه نوشابه ای دوغی چیزی میخرم و حس می‌کنم چه حرکت خوبی انجام دادم».

کد ۵: «من دختری آروم هستم و اکثر اطرافیانم میان که من دختری آروم و حواس جمع هستم نمیدونم شاید دارم مامانم میشم، وقتی کوچکتر هم بودم آروم بودم و تنها تفاوتی که بود این بود که پدرم کنارمون بود و وقتی ناراحتی اونارو باهم میدیدم ناراحت میشدم و شب‌ها گریه می‌کردم و البته راجع بهش حرف نمیزدم».

کد ۶: «من خودم خودم رو دختری فعال و مثبت می‌بینم علاقه‌ام به درس خوندن و خانم مهندس شدن خیلی زیاده»

کد ۹: «بعضی روزها خسته میشم و با خودم میگم اه این همه کار دارم ولی ته تهنش اینکه حس می‌کنم کارهایی داره و از عهده‌اش برمیام خیلی حس خوبی بهم میده. حس اینکه توانمندم».

کد ۳: «اگه بخوام خودمو تعریف کنم من دختری مستقل هستم یعنی شایدم خیلی نباشم ولی دوست دارم که باشم. به هر چیزی که بخوام میرسم».

کد ۷: «گه بخوام خودمو تعریف کنم من دختر منطقی ای هستم اکثراً، زود دل نمیندم، دروغ گفتن بیش از همه چیز حرصم در میاره. معمولاً دیگران بهم اعتماد میکنن و رازشونو میان. من اهل واکنش های یهوئی نیستم و خیلی خونسرد با مسائل برخورد می کنم».

الف-۴) احساس مهم بودن

کد ۹: «درسته فعالیت من فعالیتی صرفاً مذهبی و مدرسه قرآنم و شاید از عقیده خیلی ها خیلی هم مهم نباشه ولی خودم فکر میکنم اتفاقاً بودنم به این دنیا که الان اعتقادا خیلی ضعیف شده خیلی میتونه کمک کنه و از این بابت راضیم (سبک زندگی مادر)».

کد ۴: «و همه هم به حرفام گوش میدن. واقعنی گوش میدن ها. بعضی وقتها فکر می کنم که گوش نمیدن ولی حتی داداش که سرشو میندازه پایین و آدم هم فکر میکنه که گوش نمیده یهو از وسط حرفای آدم یه چیزی میگه که میفهمی گوش داده واقعا».

کد ۵: «مامانم ازم می پرسه محدثه امروز صبحونه چی بزنیم حس می کنم لحظه ای با دوستانم رفتم بیرون و ذوق می کنم میگم املت جدید. بعد باهم میشینیم تند تند صبحونه میخوریم این حس رو به دنیا نمیدم».

کد ۶: «وقتی بهم مسئولیت میدن حس می کنم باورم دارن و فکر نمیکنن من بچه ام همین حاله خوب میکنه و علاقه ام رو به این کارها زیاد میکنه».

کد ۸: «ما هممون حتی حسین هم قانون هارو رعایت میکنه و اگه چیزی جدید باشه مامان ازمون میپرسه و ما هم خیلی خوشحال میشیم که میپرسه مامان و خیلی خوشمون میاد، علت خوش اومدنمون اینه که خب حس نمیکنیم کسی بهمون امر و نهی میکنه و مثلاً دستور میده حس می کنیم عضوی از گروه هستیم و حق نظر دادن داریم».

الف-۵) استقلال طلبی

کد ۱: «من همیشه از همون اوایل جوانیم هم دوست داشتم مستقل باشم و درآمد داشته باشم. همسرم همه جور از لحاظ مالی حمایت و ساپورت میکنه اما حس درونیم ارضا

نمیشد، فکر میکنم منظورمو متوجه میشدید بحث پولش نیست استقلال چیزیه که من نیاز دارم داشته باشمش (سبک زندگی مادر)».

کد ۱: «اما الآن مامانم اینا اجازه خیلی کارها رو بهم میدن. تا کلاس هشتم من حتی نمیتونستم با دوستای صمیمی ام برم بیرون واسه کتاب خریدن اما الآن مامانم بهم اجازه میدن که با دوستانم برم کافه و جاهای مختلف رو امتحان کنم».

کد ۲: «جز اون، مامانم اجازه میدن که با دوستانم که البته میشناسنشون برم بیرون و وقت بگذرونم، اجازه میدن که موبایلم رو همیشه پیش خودم داشته باشم و ازم میخواند که خودم مدیریت کنه. بهم اجازه میدن که آشپزی کنم و روزی رو مشخص کرده که مسئولیت خونه با من باشه و من هم مثل خانمی که میتونه همه کارها رو باهم مدیریت کنه از پس کارها برمیام».

کد ۳: «مثلاً من هیچوقت انقدر نیاز به اینکه دوست دارم مستقل باشم رو حس نکرده بودم و الآن هرروز حس می‌کنم که چقدر دلم میخواند که تنها باشم و بعضی کارهام رو بدون کمک گرفتن از دیگران انجام بدهم، مثلاً قبلاً برام مهم نبود که مامان یا بابام پیام مدرسه دنبالم حتی خوشحال هم میشدم که با ماشین راحت میرم خونه ولی الآن اینکه بهم اعتماد کردند و میتونم تا خونه پیاده خودم برم و حس می‌کنم میتونم مواظب خودم باشم خیلی لذت بخشه برام».

کد ۴: «اما الآن ۲ ساله که بعضی جاها مثلاً کافه رفتن و با دوستانم بیرون رفتن رو اجازه میدن. البته همه دوستانم رو از قبل باید بشناسن و مامانم با اکثر مامان دوستانم دوسته. وقتی هم آدم جدیدی توی جمع باشه یکم سخت‌گیری میکنن ولی آخرین صحبتی که باهم کردیم این بوده که تو دیگر بزرگ شدی و میتونی از خودت مراقبت کنی البته من بیشتر حس می‌کنم این جمله رو مشاورم بهشون گفته».

کد ۵: «من تقریباً نمیتونم بگم موضوعی هست که ازش محرومم من میتونم کاری رو که حد و مرز اخلاقی داره رو انجام بدم الآن میتونم با دوستانم بیرون برم البته مامانم نوع

کنترل خودش رو داره نه مثله مامانای دوستام البته، نوع کنترل مامانم محترمانه است هی بهم زنگ نمیزنه که سین جیمم کنه میرسونتم و میاد دنبالم، این نوع آزادی ها بیش از همه چی این حس رو بهم میده که بزرگ و بالغ شدم و مامانم دیگه نگران این نیست که نتونم از خودم مراقبت کنم».

الف-۶) خودآگاهی و دوره نگری

کد ۱۰: «بعد از فوت همسرم دچار افسردگی شدیدی شدم و مدتی هم در همین حالت به سر بردم، اما روزی بود که به خودم اومدم و دیدم باید خیلی چیزا رو تغییر بدم (سبک زندگی مادر)».

کد ۱: «الآن که بزرگ‌تر شدم مامانم یادم داد که باید بتونم درباره موضوعی که میخوام صحبت کنم و همونطوری که خودم توقع دارم هرکسی علت رو برام توضیح بده خودم هم بتونم واسه چیزی که میخوام توضیح بدم».

کد ۲: «در اون سالها اصلاً دلم نمیخواست با کسی حرف بزنم و به حرفهای کسی گوش بدم. معلمانم میگفتن به دلیل سنی ایه که دارم و دوران نوجوانی».

کد ۳: «ولی الآن از وقتی با مشاورم صحبت کردم دارم یاد میگیرم بزرگ‌ونه باشم سعی می‌کنم حرف بزنم کلا سنم که کمتر بود اصلاً حرف نمیتونستم بزنم یعنی تو ذهنم پر بودا ولی نه گریه می‌کردم نه حرف می‌زدم. الآن دارم یاد میگیرم حرف بزنم البته که هنوز موفق نبوده‌ام خیلی».

کد ۴: «هر چی بزرگ‌تر شدم بیشتر به این فکر می‌کنم که باید دیرتر اعتماد کنم آخه دوستام اذیتم کردن؛ و اینکه الآن بزرگ‌تر شدم مامان بابام بهم بیشتر اعتماد میکنن و باهام حرف میزنن یادمه کوچکتر که بودم اوضاع اینطوری بود که مامانم حرفی رو میزد و من چه خوشم میومد چه نمیومد گوشش میدادم و تقریباً داداش هم همینطوری بود»

الف-۷) آگاهی از شرایط دوره رشدی

کد ۳: «چون من فرزندان بزرگتر از بهار هم دارم تا حدودی با روحیات و تغییرات دوران بلوغ آشنایی دارم و میدونم چه شرایطی پیش رویه بهاره (سبک زندگی مادر)». کد ۵: «الآن که بزرگ‌تر شدم و پا به نوجوانی گذاشتم تفاوت عمده‌ای که تو می‌ایجاد شده که احساس می‌کنم تا الآن مامانم مسئول همه چیز زندگی بوده و الآن نوبت منه که کنارش بایستم».

کد ۲: «اگر بخوام دقیق پاسخ دهم بله من هم مثل همه هم‌کلاسی هام هرروز احساس می‌کنم نوع فکر کردن و وابستگی هام تغییر میکنه. گاهی با یکی دوست میشم و حس می‌کنم که بدون اون زندگی برام خیلی سخت میشه و روز بعد شاید به احساسم بخندم» کد ۳: «سعی می‌کنم حرف بزnm کلا سنم که کمتر بود اصلاً حرف نمیتونستم بزnm یعنی تو ذهنم پر بودا ولی نه گریه می‌کردم نه حرف می‌زدم. الآن دارم یاد میگیرم حرف بزnm البته که هنوز موفق نبوده‌ام خیلی».

الف-۸) مدیریت هیجانات

کد ۲: «من آدم صبوری هستم و معمولاً وقتی عصبانی میشم سریع جواب نمیدم و سعی میکنم حداقل دقایقی سکوت کنم (سبک زندگی مادر)». کد ۱: «تا کوچولوتری هام سلاح گرفتن آن چیزی که میخوام گریه کردن و داد زدن بود و اگر از این طریق به جایی نمیرسیدم میرفتم پیش بابام و بهش میگفتم و هر چیزی میخواستم میگرفتم. الآن که بزرگ‌تر شدم مامانم یادم داد که باید بتونم درباره موضوعی که میخوام صحبت کنم». کد ۴: «هر چی بزرگ‌تر شدم بیشتر به این فکر می‌کنم که باید دیرتر اعتماد کنم آخه دوستانم اذیتم کردن؛ و اینکه الآن».

الف-۹) پرورش آرامش بدنی

کد ۵: «منو دخترم صبح‌ها ۲۰ دقیقه با هم ورزش میکنیم آهنگ پُرانرژی میذارم و حس میکنم این کار هم تو سلامتی هم تو روحیه معجزه میکنه (سبک زندگی مادر)».

کد ۵: «۲۰ دقیقه باهم ورزش می‌کنیم و میخوریم بهم همش مامانم میگه تاثیر زیادی داره تو حال خوب ما».

الف-۱۰) جستجوی علایق

کد ۷: «من خودم چون کار با بچه‌ها رو دوست داشتم سراغ کار مربی گری مهد کودک رفتم، با اینکه با این شرایط میتونستم با حقوق بیشتری جایی کار کنم (سبک زندگی مادر)».

کد ۲: «پدر من هیچوقت به من اجبار نکرده که کاری رو به زور انجام بدم. همیشه بهم اعتماد کرده و گفته خودت باید علاقه‌ات رو پیدا کنی».

کد ۱: «خب من به اتفاقاتی که اطرافم میفته توجه می‌کنم و سعی می‌کنم نظر بدم. مثلاً اگه تلویزیون بگخ که کودکان یمنی رو کشتن من باید درباره‌اش حرف بزنم و بدونم داستان از چه قراره یا حتی اگه تو برنامه تلویزیونی کسی با کسی بد حرف بزنه من تلاش می‌کنم که دنبال کنم و درباره این مسائل با مامانم هم تبادل نظر کنم»

الف-۱۱) تلاش در پرورش ویژگی‌های مثبت

کد ۵: «من قبلاً خیلی روحیه حساس‌تری داشتم و بعد از کار توی آسایشگاه و دیدن مددجوها حس میکنم باید قوی‌تر باشم و بخاطر موضوعات بی‌ارزش ارتباطات انسانی رو خراب نکنم (سبک زندگی مادر)».

کد ۲: «گاهی اوقات سر راه با پول‌توجیبی‌ام برای خونه نوشابه‌ای دوغی چیزی می‌خرم و حس می‌کنم چه حرکت خوبی انجام دادم».

کد ۳: «دوست دارم مثل مامانم تکیه‌گاه دیگران باشم. حتی پدر من که مرده و محکمه خیلی جاها اگه مامانم نباشه نمیتونه تصمیمات مهم رو تنهایی بگیره. خود من وقتی‌هایی که

مامانم کنارم نیست دودلم. البته که گفتم دوست دارم که باعرضه باشم و کارهامو خودم بکنم ولی از طرفی هم مامانم خیلی اعتمادبه‌نفسش بالائه و از وقتی هم که محک می‌ره حس می‌کنم قوی‌تر هم شده. از این لحاظ دوست دارم شبیه مادرم شم».

ب) ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با خانواده

ب-۱) شناخت روحیات و ویژگی‌های مادر و تحسین وی

کد ۶: «مامانم بااینکه سرش شلوغه و موبایلش لحظه‌ای نیست که زنگ نخوره حتی همیشه سالگرد ازدواج کسی رو یادش بره، گاهی حس می‌کنم مامان تو ذهنش تقویم داره و براش پیغام میره که فلان کار و کنه منم دوست دارم همین‌طور باشم»

کد ۷: «اینکه مامانم هم مربی خوییه هم مامان خوییه هم همسر خوییه هم مدیر کمپینه یعنی همه کارها رو میتونه باکیفیت بالا انجام بده. آیا ممکنه آدم نخود شبیه اش باشه؟»

کد ۸: «این همه صبر و هوشمندی رو مامانم داره و اینکه من میگم محکم و میتونم به کارهام برسم از مامانم یاد گرفتم»

ب-۲) احساس دل‌بستگی به مادر و همانندسازی با وی

کد ۸: «من گاهی اوقات به وضوح حس میکنم که فاطمه دونه دونه کارای منو تکرار میکنه و بهم هم میگه که میخوام شبیه تو باشم با اینکه من فکر میکنم میتونه خیلی بهتر از من باشه (سبک زندگی مادر)».

کد ۷: «اینو که می‌بینم مامانم بدون اینکه دستشو جلوی کسی دراز کنه زندگی رو می‌بره جلو حظ می‌کنم و دوست دارم همین‌طور باشم».

کد ۸: «من ته ته ذهنم اینه که مته مامانم چرخ زندگی رو بدون اینکه کم بیارم بچرخونم. ما شهرستانی هستیم و از این بابت افتخار هم می‌کنیم. واسه محرم‌ها که میریم دهمون پدربزرگ و دایی هام میان بیاید اینجا تو بهترین خونه کنار ما زندگی کنید اما مامانم میگه ما خودمون مسئول زندگیمونیم و به خاطر من و حسین میگه تهران امکانات

بهتره و همه سختی‌ها رو به جون می‌خریم. این همه صبر و هوشمندی رو مامانم داره و اینکه من میگم محکم و میتونم به کارهام برسم از مامانم یاد گرفتم».

ب-۳) احترام به خانواده و همشیران

کد ۳: «بهار ارتباط خوبی با بزرگترا داره، دختر مطیع و حرف گوش کنی نیست اما به بزرگترا به خصوص خواهر برادرهاش خیلی احترام میذاره (سبک زندگی مادر)».

کد ۲: «البته چون زیاد سروصدا میکنه و تو کارهای منم دخالت میکنه خیلی باهم جور نیستیم ولی در کل باهم خوبیم».

کد ۸: «بیدار میشم کارها رو انجام میدم و حسین رو بیدار می‌کنم و باهم صبحانه می‌خوریم و کمک هم می‌کنیم حاضرشیم و باهم میریم مدرسه».

ب-۴) پابندی به ارزش‌های خانوادگی

کد ۴: «من یکی از دلایلی که در بنیاد شهید کار میکنم احترام به مقام پدرم و شهدا است. دوست دارم اونجا باشم تا فراموش نکنم چه چیزهایی ارزش بوده و هست (سبک زندگی مادر)».

کد ۴: «یکی از چیزهایی که خانوادگی برایمان خیلی مهمه اینه که باید مواردی که مربوط به اخلاق و احترامه حتماً تحت هر شرایطی رعایت شه. مامانم ممکنه هر چیزی رو فراموش کنه و بیخشه اما اگه بفهمه به کسی حتی کوچک‌تر بی‌ادبی کردم یا دروغ گفتم اصلاً نمیگذره».

کد ۶: «من معمولاً درباره کارهای مدرسه و رابطه هام باهاش راحت صحبت میکنه و اگه لا بلای حرفهام چیزی باشه که حس کنه ممکنه خطری منو تهدید میکنه به هم میگه میتونی درباره‌اش با سمانه (خواهرم) صحبت کنی، این رفتارش باعث میشه هیچ‌وقت نتونم بهش دروغ بگم و اگه هم دروغی بگم سریع عذاب وجدان بگیرم و برم راستشو بگم».

ب-۵) حس انسجام خانوادگی

کد ۹: «من وقتی تازه ازدواج کرده بودم عادت داشتم که بدون همسر شروع به غذا خوردن نمی‌کردم و از اینکه با هم غذا بخوریم نهایت لذت رو می‌بردم، الان خیلی خوشحالم که دخترم هم به این بودن همه کنار هم علاقمند و خودش میگه که پیش خانواده بیشتر از هر جای بهش خوش میگذره (سبک زندگی مادر)».

کد ۲: «صبح‌ها که بیدار میشم سر میز همه کنار هم میشینیم و صبحانه می‌خوریم. بابا درباره روزی که پیش رو داره صحبت میکنه و مامان هم درباره اینکه امروز چیکارها می‌خواد بکنه حرف میزنه. من معمولاً شنونده هستم و کم پیش میاد که مثل خواهرم نارین سر صحبت رو باز کنم».

کد ۷: «معمولاً صبح‌ها با صدای بسته شدن در خونه بیدار میشم مامان و بابام رو می‌بینم که خنده‌رو و عرق کرده دارن بلندبلند شوخی می‌کنم و میان به نظرت چطوری بیدارشون کنیم که هیچ‌وقت یادشون نره اینو که می‌شنویم زود از جا می‌پریم».

ب-۶) اولویت دادن به خانواده

کد ۱: «با اینکه منو همسر چند مسئولیتی هستیم ولی همیشه دغدغه‌های بچه‌ها و صحبت با اونها برامون تو اولویته (سبک زندگی مادر)».

کد ۸: «واسه محرم‌ها که میریم دهمون پدربزرگ و دایی هام میان بیاید اینجا تو بهترین خونه کنار ما زندگی کنید اما مامانم میگه ما خودمون مسئول زندگیمونیم و به خاطر من و حسین میگه تهران امکانات بهتره و همه سختی‌ها رو به جون می‌خریم».

کد ۹: «من هرروز با صدای شیرین مامانم از خواب بیدار میشم و خیلی خوشحالم که اولین تصویری که صبح می‌بینم صورت مامانمه».

ب-۷) نگرش مثبت به ازدواج

کد ۳: «اینکه بهار میدونه من بخاطر جبهه بودن پدرش برای مدتی کار نکردم و از علاقه ام دست کشیدم باعث شده که اونم از همسر آینده اش به عنوان رفیق یاد کنه (سبک زندگی مادر)».

کد ۹: «من تنها فرزند خونه هستم الآن خواهر و برادر ام ازدواج کردن و رفتن دنبال زندگی هاشون و از زندگی هاشون هم راضین».

ب-۸) حضور فعال در خانواده

کد ۲: «امکان نداره که چه تو خانواده پدری ام چه خانواده خودم موضوع مهمی اتفاق بیفته و من نسبت بهش بی تفاوت باشم، عقیده دارم که حضور هرکس به میزان خودش موثره و باید باشه (سبک زندگی مادر)».

کد ۴: «بعضی موقع ها حتی ازم میپرسه که موهاشو چه مدلی بزنه و همون مدلی میزنه و من خیلی خوشم میاد».

کد ۸: «مسئولیت‌های زیادی رو خودم دوست دارم بر عهده بگیرم. کلاً همین جوری بودم از اول انگار مدیر به دنیا اومدم».

کد ۱۰: «اگه مامانم اینت بهم کار نندن و مسئولیتی رو بهم نندن خیلی بهم بر میخوره و حس می‌کنم فکر کرده من عرضه ندارم، بله. من فکر می‌کنم میتونم کارها رو مدیریت کنم و وقتی پدر مادرم هم این اعتماد رو بهم میکنن حس می‌کنم بزرگ شدم».

ب-۹) صمیمیت در چارچوب حریم‌ها

کد ۷: «عقیده من و همسرم اینه که مهم نیست چقدر دو نفر به هم نزدیکن یا با هم صمیمی‌ان، در عین همه صمیمیت ها باید حد و حدودی وجود داشته باشه، حتی بین همسران (سبک زندگی مادر)».

کد ۵: «مامانم ازم می‌پرسم محدثه امروز صبحونه چی بزنیم حس می‌کنم لحظه‌ای با دوستانم رفتم بیرون و ذوق می‌کنم میگم املت جدید. بعد باهم میشینیم تند تند صبحونه میخوریم این حس رو به دنیا نمیدم».

کد ۷: «تو خونه ما رسم نانوشته بوسیدن همدیگه هست همه ما همدیگه رو که می‌بینم ناخودآگاه همدیگه رو بوس می‌کنیم، لب بابامو بوس می‌کنم و ازش میخوام واسم صبحونه خوشمزه درست کنه و اونم خیلی قشنگ میگه چشم شاهزاده، میدونید مامان بابام سر وقتش جدی میشن سر وقتش دوست و رفیق»

ج) ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با هستی

ج-۱) پذیرش تغییرات

کد ۳: «از اونجایی که من قبلا هم برای فرزندان دیگه‌ام دوران بحران بلوغ رو گذرونده‌ام میتونم بهار و تغییرات رو بفهمم (سبک زندگی مادر)».

کد ۱: «الآن که بزرگ‌تر شدم مامانم یادم داد که باید بتونم درباره موضوعی که میخوام صحبت کنم و همونطوری که خودم توقع دارم هر کسی علت رو برام توضیح بده خودم هم بتونم واسه چیزی که میخوام توضیح بدم».

کد ۲: «من هم مثل همه هم‌کلاسی هام هرروز احساس می‌کنم نوع فکر کردن و وابستگی هام تغییر میکنه. گاهی با یکی دوست میشم و حس می‌کنم که بدون اون زندگی برام خیلی سخت میشه و روز بعد شاید به احساسم بخندم».

کد ۵: «جز تغییرات جسمی در خودم تغییرات روحی هم می‌بینم چون مامانم منو پیش روانشناس میبره ایشون بهم کمک میکنه که با این تغییرات حالتی آشنا باشم».

کد ۱۰: «یادمه وقتی کسی بوسم می‌کرد سریع جایی که بوس کرده رو با دستم پاک می‌کردم و از حرکتش بدم می‌ومد اهل دوست بازی هم نبودم ولی الآن خیلی اجتماعی‌تر شدم و دیگران و رفتاراشون برام قابل‌درک‌تره».

ج-۲) آزادی فرد مقید به چارچوب‌ها

کد ۵: «من عقیده بر این‌ه که هر کس رو محدودتر کنی دروغ گفتن رو بیشتر یاد میگیره واسه همین محدثه رو آزاد میذارم ولی دورادور حواسم بهش هست (سبک زندگی مادر)».

کد ۸: «ما هممون حتی حسین هم قانون ها رو رعایت میکنه و اگه چیزی جدید باشه مامان ازمون میپرسه و ما هم خیلی خوشحال میشیم که میپرسه مامان و خیلی خوشمون میاد، علت خوش اومدنمون اینه که خب حس نمیکنیم کسی بهمون امر و نهی میکنه و مثلاً دستور میده حس می‌کنیم عضوی از گروه هستیم و حق نظر دادن داریم»

کد ۶: «من تقریباً الآن که بزرگ‌تر شدم اجازه هرجایی که بخوام برم و هر کاری که بخوام بکنم رو دارم و اگه جاش دور باشه با سمانه میرم، این حس رو دارم که دیگه مامان بابام باور دارن که میتونم به تنهایی مسائل رو مدیریت کنم».

ج-۳) پذیرش واقعیت‌ها

کد ۵: «اینکه من در زندگی مشترکم شکست خوردم مسئله ای است که خیلی دیر باهاش اخت گرفتم و روزها نگرانش بودم و بابت این شکست غصه میخوردم اما الان به این نتیجه رسیدم که زندگی این است و نباید توی چیزی بمونیم (سبک زندگی مادر)».

کد ۶: «این موضوع خیلی برام مهم نیست و نمیتونم بگم چون مامانم سنش بالاتره نتونستم باهاش دوست باشم».

کد ۸: «بعضی روزها خسته میشم و با خودم میگم اه این همه کار دارم ولی ته تهش اینکه حس می‌کنم کارهایی داره و از عهده‌اش برمیام خیلی حس خوبی بهم میده. حس اینکه توانمندم»

کد ۹: «ولی اصلاً این طور نیستم که غر بزnm. دلم واسه بابام تنگ میشه ولی یاد حرف مامان میفتم که اون حضور داره و از من میخواد بهترین خودم باشم»

ج-۴) داشتن هدف، معنا و مسیر روشن

کد ۷: «من همیشه سعی کردم که زندگی برایم معنا و مفهومی داشته باشه، هیچوقت دوست ندارم زندگی رو جنگ توصیف کنم اما حس میکنم هدف ها چیزیه که زندگی ما رو از رخوت نجات میده (سبک زندگی مادر)».

کد ۵: «می فهمم که مامانم میگه هدف داشته باش و واسه اون هدف با دنیا هم بجنگ».

کد ۹: «شنیدن به رسالتی که مامان درباره اش صحبت میکنه فکر می کنم».

ج-۵) زندگی چندبعدی

کد ۱: «من همیشه چند تا کارو با هم انجام میدم هم خانه داری میکنم هم دانشجوآم ، هم مادرم، هم همسر (سبک زندگی مادر)».

کد ۲: «ولی تقریباً میتونم بگم از لحظه ای که صبح چشم باز می کنم تا لحظه ای که باز به خواب برم زندگیم حول محور مدرسه میچرخه. البته من از ۸ سالگی کلاس پیانو میرم و به تازگی هم به همراه مادرم در کلاس شعر ثبت نام کردم».

کد ۸: «من معمولاً صبح ها با ساعت کوکی بیدار میشم و مامانم معمولاً صبحانه رو آماده کرده جای رو دم کرده و بقیه کارها رو به من سپرده و رفته بیدار میشم کارها رو انجام میدم و حسین رو بیدار می کنم و باهم صبحانه می خوریم و کمک هم می کنیم حاضر شیم و باهم میریم مدرسه قانون داریم قبل از رفتن از در خونه از تلفن خونه به مامانم زنگ می زنم و گزارش کارها رو میدم و حسین رو می رسونم به مدرسه اش و میرم مدرسه».

ج-۶) پذیرش و مدیریت بحران به عنوان بخشی از زندگی و مدیریت آن

کد ۸: «من بعد از اومدن از شهرمون و رو به رو شدن با شهر و فرهنگ جدید خیلی ترسیده بودم اما خودمو نباختم و حس کردم باید زندگی کنم، الان هم بعد از فوت همسرم نداشتم غم تو دل بچه ها و خودم جا باز کنه (سبک زندگی مادر)».

کد ۲: «از اون به بعد درباره صحبت های تو گروه باهاش صحبت می کنم و به خودم سپرده و بهم گفته بود که خودم از پشش بر نیومدم ازش کمک بخوام».

کد ۱۰: «دوست دارم وقتی همه چیز به هم میریزه حالم خوب باشه و بتونم با هوشمندی موضوع رو سروسامان بدم».

(د) هویت تحصیلی

(د-۱) هویت تحصیلی مثبت

کد ۱: «دخترم رو که میبینم یاد خودم میفتم منم همیشه عاشق تحصیل و درس بودم، شایدم ارث رو به این فسقلی منتقل کردم (سبک زندگی مادر)».

کد ۱: «درس‌های موردعلاقه‌ام زیست و فیزیکه».

(د-۲) درس وسیله آرامش

کد ۸: «افزایش علم و آگاهی همیشه چیزی بوده که به من حس خوب و مفید بودن داده و واسه همین که کتاب کل زندگی و فعالیت من شده (سبک زندگی مادر)».

کد ۱۰: «وقتی مسئله‌ای رو تو فیزیک حل می‌کنم احساس سبکی بهم دست میده و ذوق می‌کنم».

(د-۳) برخورداری از هویت روشن تحصیلی

کد ۵: «من خودم خودم رو دختری فعال و مثبت می‌بینم علاقه‌ام به درس خواندن و خانم مهندس شدن خیلی زیاده».

(د-۴) الگوبرداری از معلمان

کد ۱۰: «خانم درس تفکرمون می‌گفت مامان باباهایی که واسه خودشون دغدغه‌های بیرونی‌ای دارن و بهش میرسن با بچه هاشون هم بهترن من اینو تو مامانم دیدم».

(ه) هویت مذهبی

(ه-۱) پایبندی به اعتقادات

کد ۴: «من همیشه اعتقادم چه دینی و چه غیر دینی واسم تو اولویته (سبک زندگی مادر)».

کد ۲: «مامانم همیشه صبح‌ها زود بیدار میشه حتی زمانی هم که مریض باشه و دکتر بهش گفته باشه باید استراحت کنه مامانم بازهم واسه وقت نماز که بیدار میشه دیگه نمیخوابه».

کد ۸: «صبح که بیدار میشه بعد نماز از خدا میخواد که توان چند برابری بهش بده که از عهده کارها بریاد».

۵-۲) پرورش حس توکل و ایمان به خدا

کد ۵: «همیشه تلاش می‌کنم تو همه چیز خدا رو اول بدونم و اگه چیزی رو قرار نیست بهم بده به زور ازش نگیرم (سبک زندگی مادر)».

کد ۲: «داداش میگه که تو تلاشتو بکن بقیه‌اش رو بسپار به خدا. فک کنم خودش هم همیشه همین کارو میکنه چون خودش همیشه آرومه و ندیدم از چیزی ناراحت باشه یا استرس داشته باشه کلاً».

ز) هویت اجتماعی

ز-۱) علاقه‌مندی به ارتباطات اجتماعی

کد ۱۰: «من آدم اجتماعی هستم و دوستای زیادی دارم و همیشه هم دلم میخواد آدم های جدیدی رو ملاقات کنم (سبک زندگی مادر)».

کد ۴: «باشه وقتی میرفتم پارک به اولین نفری که میدیدم سلام می‌کردم و میگفتم میای باهم دوست شیم؟ همین‌طور به آدم‌های دیگه هم میگفتم».

ز-۲) دغدغه‌مندی اجتماعی

کد ۵: «محیط زیست و طبیعت دغدغه منه، حس میکنم فرزندمه و باید بهش رسیدگی کنم. شاید خنده دار باشه اما وقتی فیلتر سیگار رو زمین میبینم حس میکنم روحم زخمی میشه (سبک زندگی مادر)».

کد ۱: «خب من به اتفاقاتی که اطرافم میفته توجه می‌کنم و سعی می‌کنم نظر بدم. مثلاً اگه تلویزیون بگه که کودکان یمنی رو کشتن من باید درباره‌اش حرف بزنم و بدونم

داستان از چه قراره یا حتی اگه تو برنامه تلویزیونی کسی با کسی بد حرف بزنه من تلاش می‌کنم که دنبال کنم و درباره این مسائل با مامانم هم تبادل نظر کنم».

کد ۶: «این که می‌دیدم تو دنیا کارهای مهم‌تری هست و اطرافیانم با بالاترین سرعت در حال حرکت به سمت هدف هاشون هستن به من این انگیزه رو داد که خودمو درگیر مسائل کوچیک نکنم»

کد ۱۰: «من خیلی دلسوزم و دلم واسه بچه‌های کار هم خیلی می‌سوزه».

ز-۳) پذیرش تفاوت با دیگران

کد ۳: «من الان در این سن تلاش میکنم این رو برای خودم جا بندازم که آدمها و برخوردشون با هم تفاوت دارن و سعی میکنم به بهار هم گوشزد کنم که اگه من به حرفش اهمیت میدیم معنیش این نیست که همه باید همین رفتار رو باهاش داشته باشن (سبک زندگی مادر)».

کد ۴: «من بلندبلند حرف می‌زنم و مثلاً میگم که امروز باخانم ... کلاس داریم و خوشحالم یا ناراحتم و همه هم به حرفام گوش میدن. واقعاً گوش میدن ها».

ز-۴) گرایش به جمع همسالان

کد ۱: «زنگ موردعلاقه من زنگ نهار چون هم طولانی تره و هم من دوست دارم که با دیگران غذا بخورم. ساعت نهار غذا هامون رو باهم تقسیم می‌کنیم و باهم شریک میشیم من دوست دارم این حالتو».

ز-۵) احساس پذیرش از سمت دیگران

کد ۶: «از وقتی که کارم رو توی آسایشگاه شروع کردم و دوستان زیادی پیدا کردم این حس رو دارم که حالم بهتره و دیگران دوستم دارن (سبک زندگی مادر)».

کد ۴: «خودم میدونم که دختر شلوغی هستم ولی خب چی میشه همه مته مامان و بابا به هم بگن تو عامل شورونشاطی».

ز-۶) باور به فرهنگ گفتگو

کد ۵: «من اعتقاد دارم که صحبت همیشه مسائل رو قابل درک تر و بهتر میکنه (سبک زندگی مادر)».

کد ۵: «مامانم با من درباره کارهایی که تو محک میکنه حرف میزنه».

کد ۸: «ما هممون حتی حسین هم قانون هارو رعایت میکنه و اگه چیزی جدید باشه مامان ازمون میپرسه و ما هم خیلی خوشحال میشیم که میپرسه مامان و خیلی خوشمون میاد».

ز-۷) قدرشناسی

کد ۷: «همسرم نقش خیلی مهمی تو ارتباط خوب ما با بچه‌ها داره و از این بابت قدردانش هستم و پیش بچه‌ها هم همیشه از داشتنش خدا رو شکر میکنم (سبک زندگی مادر)».

کد ۱۰: «مامانم نقش خیلی مهمی داره تو این تعریف من از خودم. من ته ته ذهنم اینه که مته مامانم چرخ زندگی رو بدون اینکه کم بیارم بچرخونم».

ز-۸) یادگیری از بستر تجربه زیسته دیگران

کد ۶: «نظر و سیاست رفتاری من همیشه این بوده که آدم نباید سعی کنه همه کارها رو امتحان کنه، بهتره که بگرده و ببینه چه کسی در همون موقعیت بوده و از اون یاد بگیره (سبک زندگی مادر)».

کد ۴: «گاهی پیش میاد که مامان از اتفاقاتی که سرکارش برای آدم‌هایی که باهاشون سروکار داره یا واسه فرزندان همکاراش میفته تعریف میکنه و من از لابلایش با خودم میگم من اگه این کارو می‌کردم فلان اتفاق میفتاد».

ز-۹) پرورش روحیه گروهی

کد ۷: «من همیشه به بودن توی جمع های چند نفره علاقه داشتم و شاید همین باعث شده که الان که جمعی از بچه ها تو مهد دورم جمع میشن حس میکنم تو بهشتم (سبک زندگی مادر)».

کد ۱۰: «علت خوش اومدنمون اینه که خب حس نمی‌کنیم کسی بهمون امرونی می‌کنه و مثلاً دستور میده حس می‌کنیم عضوی از گروه هستیم و حق نظر دادن داریم».

ز-۱۰) تاب‌آوری در برابر نظرات متناقض

من خودم قبلاً مخصوصاً وقتی در ازدواج با همسرم بودم طاقت شنیدن انتقادها رو نداشتم و خیلی ناراحت می‌شدم اما رفته رفته یاد گرفتم وقتی آدم خودش از ضعف هاش آگاه باشه میزان ناراحتیش از حرفای دیگران کم میشه، محدثه هم که این رفتارو تو من میبینه بعضی موقع ها سوال می‌کنه مامان، چطوره که تو از حرف فلانی ناراحت نشدی (سبک زندگی مادر)».

کد ۷: «بین همسالان هم واسم مهم نیست و روش و فکر خودم واسم مهمه فقط. خیلی‌ها مسخره میکنن و میان که جی کفشات هر لنگه‌اش یه شکله ولی من فقط لبخند می‌زنم و حتی لحظه‌ای هم فکر نمی‌کنم به حرفش».

ز-۱۱) پرورش روحیه انتقادپذیری

من خودم قبلاً مخصوصاً وقتی در ازدواج با همسرم بودم طاقت شنیدن انتقادها رو نداشتم و خیلی ناراحت می‌شدم اما رفته رفته یاد گرفتم وقتی آدم خودش از ضعف هاش آگاه باشه میزان ناراحتیش از حرفای دیگران کم میشه، محدثه هم که این رفتارو تو من میبینه بعضی موقع ها سوال می‌کنه مامان، چطوره که تو از حرف فلانی ناراحت نشدی (سبک زندگی مادر)».

کد ۴: «من خوشم نیاد که به من این جور می‌گه ولی چون میدونم درست میان می‌پذیرم و بهشون همیشه احترام می‌ذارم».

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در شکل‌گیری هویت نوجوانان منجر به شناسایی تعداد ۳۳ مضمون فرعی که در طبقه‌بندی به شش مضمون اصلی (ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با خود، ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با خانواده، ویژگی‌های هویت نوجوان در ارتباط با هستی، هویت تحصیلی، هویت مذهبی و هویت اجتماعی) دسته‌بندی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد سبک زندگی مادران فعال اجتماعی اکتشاف را در نوجوان تقویت می‌کند به نحوی که با پرورش خودشناسی و دغدغه‌مندی اجتماعی، بستر خودشنکوفایی وی را فراهم می‌کند. شوارتز^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین عملکرد خانواده، سلامت روان با هویت در نوجوانان مهاجر اسپانیایی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که عملکرد خانواده با سلامت روان و هویت یابی نوجوانان مهاجر رابطه دارد. می‌توان ویژگی‌های سبک زندگی مادران فعال اجتماعی را نشانه عملکرد سالم خانواده به حساب آورد و بنابراین این پژوهش را با پژوهش حاضر، همخوان حساب کرد. همچنین دسون^۲ در پژوهش خود به رابطه معنادار بین عملکرد خانواده، دلبستگی بین فردی و هویت دست یافت که با نتایج این پژوهش در یک راستا می‌باشد (به نقل از حکمت پور و صالحی امیری، ۱۳۹۱). برزونسکی^۳ (۲۰۰۴) بیان می‌کند که روابط درون خانواده نقش مهمی در پرورش روحیه آزادی خواهانه و استبدادی در افراد دارد؛ اگر چه خصوصیات هر خانواده و روابط درونی آن متأثر از نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه است. ولی خانواده نیز به نوبه خود در تجدید تولید و مشروعیت بخشیدن به این مناسبات و یا تغییر آن‌ها سهم دارد که نقش خانواده به خصوص مراقبان اولیه در هویت یابی فرزندان را می‌رساند. همچنین نقش عملکرد خانواده (مادران فعال اجتماعی) در هویت یابی فرزندان در این تحقیق با نتایج تحقیقات اثنی عشر (۱۳۷۸)، نجفی، احدی و دلاور (۱۳۸۵)،

1. Schwartz,

2. Deacon

3. Berzonsky

سرایی، محمود نیا، کاووسیان و پرهیزگار (۱۳۸۶)، خسروی، کیامنش، بنی جمالی و نیکمنش (۱۳۸۶)، بخشی از نتایج ابروانی و حمیدی (۱۳۸۸)، مختاری (۱۳۹۰)، حاجلو، رضایی و واحدی (۱۳۹۱). نجفی، مهدوی فر و دبیری (۱۳۹۱)، شوارتز، تپین و مانتگمیری^۱ (۲۰۰۶)، شوارتز، ماوسن، پانتین و سپایوزناک^۲ (۲۰۰۹)، کوپر (۱۹۸۹)؛ برزو نسکی^۳، ۲۰۰۴؛ ماتیس و آدامز^۴، ۲۰۰۴؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل از عامری و عمویی، ۱۳۹۵) و کانگ^۵ (۲۰۰۱) در زمینه اثر گذاری عملکرد مطلوب خانواده در شکل گیری هویت سالم و تجربه بحران هویت کمتر، همسو می باشد؛ بنابراین نهاد مقدس خانواده در حکم خاستگاه و مرکز هویت می تواند به عنوان عامل اساسی در هویت یابی فرزندان باشد. هویت، مجموعه ای پویا، خود ساخته و درونی است که شامل آرزوها، اهداف، توانایی ها، باورها و تاریخچه فردی است که از سوی عوامل اجتماعی بر انگیخته و در طول عمر همواره بازسازی می شود (مجد آبادی فراهانی، فرزاد، ۱۳۹۱).

بر اساس یافته های این پژوهش سبک زندگی مادران فعال اجتماعی منجر به هویت تحصیلی موفق در نوجوانان می شود. در این خانواده ها نگرش مادران فعال اجتماعی به موفقیت کار کردی مثبت دارد. نگرش مثبت به تحصیل باعث می شود تا در مسائل تحصیلی با نوجوان همراه شوند و امکانات لازم را فراهم کنند، در عین حال حمایت دلگرم کننده داشته باشند تا نوجوان احساس اضطراب ناشی از دوره ی نوجوانی را تقلیل دهد. در این خانواده ها، نوجوانان فقط با توانایی های خود مقایسه می شوند. همچنین موفقیت شخصی نوجوان بر سایر جنبه های موفقیت اولویت دارد و توجه و حمایت از استعداد های نوجوان به خوبی انجام می شود. تحقیقات نیز این موضوع را تأیید می کنند که ارتباط هر چه بیشتر میان والدین و نوجوانان، فردیت را در بافت دلبستگی به خانواده تقویت می کند

1. Schwartz, J. P. Thigpen, S. E. & Montgomery

2. Mason, C. A. Pantin, H. & Szapocznik

3. Berzonsky

4. Matheis & Adams

5. Kang

(هرد، سانچز، زیمرمن و کالدول^۱، ۲۰۱۲). رفتار والدین در ارتباط با موفقیت نوجوان در اجتماع باعث می‌شود تا عوامل اجتماعی نه تنها مخرب نباشد بلکه به محیطی برای رشد نوجوان و گذر موفق او شود. همچنین با نظارت بر مسائل تحصیلی هم اهمیت به تحصیل را به نوجوان نشان دهد، هم اینکه نیازهای تحصیلی او را برآورد کند. این والدین با استفاده از محیط‌های سالم نظیر محیط‌های ورزشی و فرهنگی، فضای سالم ارتباطی نوجوان را کنترل می‌کنند، در عین اینکه نوجوان مهارت‌های اجتماعی مرتبط با این محیط را فرامی‌گیرد.

همچنین سبک زندگی مادران فعال اجتماعی منجر به شکل‌گیری هویت مذهبی در نوجوانان می‌شود. همسو با پژوهش سفیری و غفوری (۱۳۸۶) که در پژوهشی با عنوان بررسی میزان هویت دینی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده به این نتیجه دست یافتند که عملکرد والدین با هویت دینی و ملی جوانان رابطه مستقیم و معنا دار دارد. نتایج تحقیقات خاتون مصلح (۱۳۹۲)، تقی زاده (۱۳۸۷)، غوری کله (۱۳۸۴)، آخوندی (۱۳۸۷) و عیوضی (۱۳۹۱) که نشان می‌دهند روابط صمیمی و عاطفی و تعاملات مثبت میان والدین و فرزندان بر هویت دینی آن‌ها تأثیر مثبت دارد، با نتایج تحقیق ما در این باره همخوان است؛ بنابراین در تأیید این یافته می‌توان گفت که از طریق تعاملات مثبت مادران فعال اجتماعی مجموعه‌ای از باورها، تعلق‌ها و تعهدها به افراد انتقال می‌یابد که مؤثر در هویت اجتماعی آن‌ها و به همین طریق مؤثر بر هویت دینی‌شان می‌باشد.

از دیگر یافته‌های این پژوهش شکل‌گیری هویت اجتماعی در نوجوانان به تبع سبک زندگی مادران فعال اجتماعی است. هویت اجتماعی، هویتی است که فرد در فرایند اجتماعی شدن و در ارتباط با گروه‌ها یا واحدهای اجتماعی موجود در جامعه، کسب می‌کند و مشخص‌ترین آن‌ها گروه یا واحد اجتماعی یا حوزه و قلمروی است که خود با ضمیر «ما» به آن اشاره می‌کند و خود را از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف، متعلق و منتسب و مدیون به آن می‌داند. همخوان با نظر جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی است که

^۱. Hurd, Sánchez, Zimmerman, & Caldwell

معتقدند هویت اجتماعی افراد در روابط و تعامل متقابل با دیگران شکل می‌گیرد. نظریات مکتب کنش متقابل نمادین^۱ و همچنین نظریه کوهن^۲ نشان می‌دهد که هویت در جریان تعاملات و ارتباطات اجتماعی ظهور می‌یابد (توسلی، ۱۳۸۸). همچنین جنکینز^۳ بیان می‌دارد که تعریف و تصور افراد از خودشان در جریان تعامل و ارتباط با دیگران شکل می‌گیرد (باکر^۴، ۲۰۱۲). در این میان، جامعه‌شناسان بر نقش خانواده در جریان فرآیند جامعه‌پذیری و تأثیرش بر هویت جمعی تأکید دارند. همان گونه که تحقیقات نشان داده، نقش مادران و به تبع آن، عملکرد خانواده در میزان هویت‌یابی نوجوان نقش بسیار مهم دارد. مادران فعال اجتماعی با دادن آگاهی و بینش به نوجوانان می‌توانند آینده آنان را در اجتماع بیمه کنند و فقدان والدین و البته عملکرد نامطلوبشان به هر دلیل می‌تواند نوجوان را دچار سردرگمی و بحران کند؛ بنابراین که اگر کودکان بدون ارتباط با خانواده رشد کنند و یا احساس نزدیکی با خانواده نداشته باشند، مشکلات بیش از حد معمول در ارتباط با هویت خواهند داشت.

در مجموع از یافته‌های پژوهش چنین نتیجه‌گیری می‌شود که سبک زندگی مادران فعال اجتماعی در شکل‌گیری هویت نوجوانان تأثیر و نقش دارد. مادران فعال اجتماعی با پا گذاشتن روی کلیشه‌های سنتی که زن را در خانه نگه می‌داشت، خود به اکتشاف و امتحان ناشناخته‌ها دست زده‌اند و این پا از چارچوب‌های سنتی بیرون گذاشتن به نوجوانان هم قدرت ریسک‌پذیری و جرات تغییر داده است و در نهایت منجر به پرورش اکتشاف او شده است. مادران فعال اجتماعی زمانی که به وجهه اجتماعی مقبولی دست پیدا می‌کنند نوجوان، مادر را تحسین کرده و در ذهن خود داشتن «مقبولیت اجتماعی» را حسن می‌بیند و در راستای کسب این مقبولیت قدم بر می‌دارد. این راستا می‌تواند برای او به

1. Symbolic reciprocity

2. Cohen

3. Jenkins

4. Baker

خودشناسی منجر و نهایتاً از او فردی خودشکوفا بسازد که این عین مضمون هسته‌ای است که در پاسخ به سؤال پژوهش به آن دست پیدا کردیم.

منابع

- ۱) اثنی عشر، مریم (۱۳۷۸). **بررسی رابطه الگوهای خانواده و باورهای مذهبی با وضعیت‌های هویت در نوجوانان شهر اصفهان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- ۲) آخوندی، محمد باقر (۱۳۸۷). **هویت ملی مذهبی جوانان**، قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: موسسه بوستان کتاب.
- ۳) تقی زاده، مریم (۱۳۸۷). **هویت دینی زنان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- ۴) عامری، فریده و عمویی، ناهید (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده در میزان تجربه بحران هویت و تمایز یافتگی. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۳۰، ۷۸-۹۰.
- ۵) مجد آبادی فراهانی، زهره؛ فرزاد، ولی الله؛ شهرآرای، مهرناز و مرادی، علی رضا (۱۳۹۰). «کنش‌وری خانوادگی هویت شخصی و رفتار مشکل‌آفرین در نوجوانی»، **فصلنامه روانشناسی تحولی**، ۲۷: ۲۰۷-۲۱۸.
- ۶) نجفی، محمود؛ احدی، حسن و دلاور، علی (۱۳۸۵). «بررسی رابطه کارایی خانواده و دین‌داری با بحران هویت»، **دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد**، ۱۳(۱۶)، ۱۷-۲۶.
- ۷) نجفی، محمود؛ مهدی فر، محمدعلی و دبیری، سولماز (۱۳۹۱). «رابطه عملکرد خانواده و بحران هویت نوجوانان»، **پنجمین کنگره آسیب‌شناسی خانواده**، دانشگاه شهید بهشتی، ۳۴۶-۳۴۸.
- 8) Baker, C. A (2012). Social identity theory and biblical interpretation. *Biblical Theology Bulletin*, 42(3), 129-138.
- 9) Berzonsky, M.D (2004) Ego identity: A personal stand point in a postmodern world. 5(2):125-136.
- 10) Hurd, N. M., Sánchez, B., Zimmerman, M. A., & Caldwell, C. H (2012). Natural mentors, racial identity, and educational attainment among African American adolescents: Exploring pathways to success. *Child development*, 83(4), 1196-1212.
- 11) Kang, J. S. H (2001). Identity formation status, spiritual well-being, and family functioning type among college students in Korea.

- 12) Schwartz, J. P., Thigpen, S. E., & Montgomery, J. K (2006). Examination of parenting styles of processing emotions and differentiation of self. *The Family Journal*, 14(1), 41-48.
- 13) Schwartz, S. J., Mason, C. A., Pantin, H., & Szapocznik, J (2009). Longitudinal relationships between family functioning and identity development in Hispanic adolescents: Continuity and change. *The Journal of early adolescence*, 29(2), 177-211.
- 14) Schwartz, S. J., Unger, J. B., Baezconde-Garbanati, L., Benet-Martínez, V., Meca, A., Zamboanga, B. L., ... & Soto, D. W (2015). Longitudinal trajectories of bicultural identity integration in recently immigrated Hispanic adolescents: Links with mental health and family functioning. *International Journal of Psychology*, 50(6), 440-450.